

# پیشنهاد شما چیست؟

دکتر علینقی منزوی

[مجله کاوه (مونیخ)، ش 49-50، سال 11، 1352خ، صص 14-18]

## توضیحاتی پیرامون نشریه‌ی پیشنهاد شما چیست؟

در سال 1351 شماره‌ی یک نشریه‌ی "پیشنهاد شما چیست؟" از طرف "فرهنگستان زبان ایران" پخش شد. و به ضمیمه‌ی نشریه‌ی دیگر به عنوان "فرهنگستان زبان ایران - هدف، سازمان، وظیفه، روش، فعالیت" برای آگاهی از نظر دانشمندان و ادیبان، طی نامه‌ای از جناب آقای دکترصادق کیا رییس فرهنگستان مزبور، برای عده‌ای از اهل فن در داخل و خارج کشور فرستاده شد، و در آن از ایشان خواسته شده بود نظر خویش را در موضوع ابراز و ارسال دارند.

از آن جا که هیئت تحریریه‌ی کاوه، هدف این مؤسسه را یکی از آرزوهای دیرینه‌ی خود تشخیص داد، که تمام مدت حیات علمی خویش، برای رسیدن بدان‌ها کوشیده است، لازم دانست که برخی نظریات خود را در این مورد، در مجله مطرح سازد. به همین جهت از آقای دکتر علینقی منزوی خواست تا مقاله‌ای در این زمینه فراهم آورد که هیئت تحریریه آن را به صورت زیر به نظرها می‌رساند:

آقای دکترعلینقی منزوی که براساس تربیت پدر بزرگوارش که تمامی عمر را در خدمت به تاریخ ادبیات ایران صرف کرد، با علاقه شخصی به زبان فارسی بار آمده است، از سال 1327خ تا روز مرگ علامه دهخدا همه روزه با او کار کرد و پس از مرگ دهخدا در 1334 تا 1346 در لغتنامه عضو هیئت چهار نفری اول بود و از آن سال تاکنون در بیروت به کار تحقیق نسخ به فارسی اشتغال دارد.

بنابر مندرجات نشریه‌ی "فرهنگستان زبان ایران - هدف، سازمان، وظیفه، روش، فعالیت" این فرهنگستان که در آبان 1349خ بنیاد نهاده شده است، هدف خویش را دو چیز قرار داده:

1- نگاهداری زبان فارسی، و آماده داشتن آن برای برآوردن نیازمندی‌های فرهنگ‌سازان کشور.

2- پژوهش در همه‌ی زبان‌های ایرانی، برای پیشبرد زبان فارسی.

سازمان فرهنگستان ایران، از شورای فرهنگستان، چهار پژوهشگاه، کتابخانه، آزمایشگاه، دبیرخانه تشکیل شده است. چهار پژوهشگاه عبارتند از:

**1- پژوهشگاه واژه‌گزینی:** که در آن سیزده گروه، از پیرامون یکصد تن استاد و کارشناس، برای شعبه‌های گوناگون علم و هنر، تشکیل شده است و تاکنون پیرامون هفت هزار واژه طبق شرایط معینی پیشنهاد نموده‌اند. و برای بهرمندی از همکاری همگان آن‌ها را دسته‌دسته در جزوه‌هایی به عنوان

"پیشنهاد شما چیست؟" برای دانشمندان ایرانی و فارسی‌دانان غیرایرانی فرستاده‌اند، تا پس از شورهمگان در جلسه‌ی شورای فرهنگستان مطرح و تصویب گردد.

**2- پژوهشگاه واژه‌های موجود فارسی:** که وظیفه‌ی آن، گردآوری واژه‌های فارسی، و اصطلاح‌های پیشه‌وران و نام‌های خاص از منابع زیر:

1- واژه‌نامه‌های فارسی 2- واژه‌نامه‌های بیگانه 3- نوشته‌های بیگانه، و تهیه‌ی متن‌های انتقادی از متون اساسی فارسی و تهیه‌ی واژه‌نامه‌های بسامدی برای هریک و سپس تهیه‌ی واژه‌نامه‌ی جامع فارسی، قرار داده شده است و در پایان فهرست بیست کار تاکنون این پژوهشگاه انجام داده است آورده‌اند.

**3- پژوهشگاه زبان‌های باستانی و میانه و گویش‌های ایرانی:** که وظیفه‌ی آن بررسی زبان‌های باستانی و میانه و گویش‌های کنونی و فراهم کردن واژه‌نامه و دستور برای هر یک از آن‌ها، و تهیه‌ی نقشه‌ی جامع زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است و در پایان فهرستی از پنج‌کار که درباره‌ی گویش‌ها و سه‌کار که درباره‌ی زبان پهلوی، از طرف این پژوهشگاه انجام گرفته، به دست داده‌اند.

**4- پژوهشگاه دستور زبان فارسی:** که وظیفه‌ی آن، تهیه‌ی دستور برای زبان فارسی ادبی کنونی و املا‌ی آن، و دستور فارسی عامیانه و دستور تاریخی و دستور تطبیقی گویش‌های ایرانی، و تاثیر متقابل این دستورها در یکدیگر. و در پایان فهرست سه‌کار در باره‌ی دستور و پنج‌کار درباره‌ی املا‌ی تاریخی که از طرف این پژوهشگاه انجام شده، آورده‌اند. در پایان نشریه، از کتابخانه‌ی کوچک و نوبنیاد این مؤسسه یاد شده است، اما از آزمایشگاه و دبیرخانه سختی به میان نیامده است.

### کاپیتولاسیون فرهنگی:

برای یک زبان خطر ورود دستور زبان‌های بیگانه بسیار شدیدتر از ورود واژه‌های خارجی است. زیرا که کلمه به تنهایی هیچ‌گاه صدمه‌ای به اساس زبان وارد نمی‌کند بلکه برتوسعه‌ی آن می‌افزاید. اما هنگامی که قانون زبان صاحب کلمه همراه آن کلمه وارد زبان می‌زبان شود، درین وقت این کلمه مانند اتباع دول بیگانه که حق کاپیتولاسیون در کشور داشته باشند و قانون کشور خود را همراه بیاورند، خطرناک می‌شوند.

و از این رو به نظر من به جای کوشش برای اخراج مطلق کلمات بیگانه از زبان فارسی، باید در تقویت و تعمیم دستور زبان فارسی کوشید، تا هرکلمه‌ی بیگانه که به فارسی در می‌آید لخت شود، یعنی همه‌ی پدیده‌ها و آثار پیشینه‌ی خود را کنار نهد، به لهجه‌ی فارسی تلفظ شود، با املا‌ی فارسی و با حروف فارسی نوشته شود.

مشکلاتی که وارد کردن دستور زبان‌های دیگر زبان فارسی ایجاد کرده بسیار است و در زیر تنها به برخی از آن‌ها اشارت می‌رود:

برخی از فضل‌فروشان اصرار می‌کنند که در مورد یاء نسبت، اگر در عربی متصل شود دستور عربی آن‌ها بکار برده شود، پس در نسبت به تجارت و صناعت و طبقات، چون عرب‌ها حرف زیاده بر ریشه را می‌اندازند ما نیز بیاندازیم و تجارتي و صناعی و طبقی بگوییم. در صورتی که بنا بر دستور زبان-فارسی یاء نسبت نباید تغییری در کلمه بدهد و اگر تغییری وارد کند معنی عوض می‌گردد مثلاً نسبت به "طبقات" "طبقاتی" است و "طبقی" نسبت به "طبق" است که معنی بسیار دوری دارد.

برخی دیگر پیشنهاد می‌کنند که حرف اضافه‌ی (ب) وقتی بر کلمات فارسی درآید (به) جدا نوشته شود و هرگاه بر کلمات عربی درآید متصل شود زیرا که حرف جر می‌باشد. و دیگر از فرسنگ‌ها فاصله نامی اعتراض به رادیو نوشته که چرا در استعمال کلمات عربی از دستور آن زبان استفاده نمی‌کنید، مثلاً: چرا شجاع را مثل عرب‌ها (بفتح شین) نخوانده و مثل فرس‌ها (بضم) می‌خوانید؟ و چرا عناصر را مثل عربی (به کسر صاد) نگفته مانند فارس‌ها (بضم صاد) می‌خوانید. و دیگری کتاب تالیف می‌کند که "غلط ننویسیم" و در همه جا دستور زبان فارسی را فدای عربی می‌نماید. پس یکی از وظایف این پژوهشگاه طرد کردن این‌گونه دستورها و محکوم کردن استعمال آن می‌باشد.

### نظر ما

همان‌گونه که در آغاز این مقال یاد کرده، آمد، نظر ما راجع به اصل موسسه‌ی فرهنگستان زبان مثبت می‌باشد. زیرا که بدون شک زبانی همچون زبان فارسی دری، که در نتیجه‌ی چند هزار سال تکامل، از دوازده قرن پیش، در میان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی بسیار، به عنوان برادر بزرگ شناخته شده و به صورت تکیه‌گاه و منبع فرهنگی برادران دیگر خود، کردی، بلوچی، پشتو، و اخیراً اردو در آمده است، و قرن‌ها زبان رسمی و علمی و فرهنگی شبه قاره‌ی هند و ایران و آسیای صغیر بوده است، اگر به خواهد با تمدن عصر ماشین به پیشرفت خود ادامه دهد، ناچار نیازمند یک مؤسسه‌ی آکادمیک است تا شرایط لازم را برای او فراهم سازد و آن را از گزند هرچ و مرج برکنار دارد و با ریشه‌های یأس و نومیدی و عقده‌های حقارت و شکست-پذیری که از خیره‌شدن درخشش عظیم فرهنگ غرب، در دل برخی از ادبا و نویسندگان ما حاصل شده است، مبارزه نماید. و روی همین زمینه‌ی حسن‌نیت است که ما می‌خواهیم برخی از نظریات یعنی تذکرات خیرخواهانه خود را به بنیادگذاران محترم این موسسه گوشزد سازیم.

**الف: در باره‌ی پژوهشگاه واژه‌گزینی:** با این که نظر ما در لزوم اصل این پژوهشگاه مثبت است، و آن را برای تأمین سلامت

زبان در حال گسترش فارسی لازم می‌دانیم، باید تذکرات زیر را خاطر نشان به سازیم:

**1-** باید برنامه‌ی واژه‌گزینی طوری پیشرفت نماید که میان زبان‌فارسی در ایران و فارسی در افغانستان و دیگر کشورها که بخشی از ملت به زبان‌فارسی سخن می‌گویند، جدایی به وجود نیابد. یعنی همزمان با کوشش در راه واژه‌گزینی کوشش پی‌گیر برای ایجاد روابط همکاری با موسسات همانند آن در آن کشورها به عمل آید و گرنه پس از مدتی کوتاه رادیوها مجبور خواهند بود برنامه فارسی ایران را از برنامه‌ی فارسی افغانستان (مثلاً) جدا نمایند. هم اکنون آثار چنین آینده‌ای نمودار است. این مساله تا آن جا اهمیت دارد که می‌باید در صورت امتناع طرف از همکاری، با ایجاد نوعی هماهنگی طبیعی و یک طرفه، و باروش نرم، و گذشته‌های مفید، ایشان را به فواید متقابل این هماهنگی و همکاری عملی آشنا سازیم و برای وصول بدین منظور باید کمیسونی خاص مأمور تلقی و بررسی کلیه‌ی نوشته‌های منتشر و ضبط برخی سخنرانی‌های رادیوهای فارسی خارجی باشد و ساعت‌هایی از برنامه‌ی رادیو برای شنوندگان فارسی - زبان غیر ایرانی اختصاص یابد، تا واژه‌های انتخاب شده را به کمک لهجه‌ی محلی به گوش‌ها آشنا سازد. تصنیف‌های ملمع مرکب از دو یا چند لهجه می‌توانند برای نزدیک کردن لهجه‌ها کمک شایانی به شمار آیند.

**2-** باید متذکر بود که اصولاً استخوان‌بندی هر زبان به روابط و افعال آن بیش از مفردات واژه‌هایش بستگی دارد، چنان که می‌بینیم وسیع‌ترین زبان دنیای امروز، انگلیسی در هر سال هزاران واژه‌ی خارجی را البته باکنترل لازم، به درون خود جذب و هضم می‌کند. و این نه فقط کوچک‌ترین خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌کند بلکه روز به روز بر توسعه‌ی آن می‌افزاید.

**3-** پردکردن واژه‌های علمی و فنی و فرهنگی، که در سراسر دنیای صنعتی شده و متمدن رواج دارد، نه تنها کمکی به فرهنگ فارسی نمی‌کند، بلکه حصار اطراف را بلندتر کرده و موانع ارتباط بین‌المللی را می‌افزاید و به عکس، پذیرفتن آن‌ها که به هیچ ملتی اختصاص ندارد، در کادر زبان‌فارسی، با تطبیق کامل دستور زبان ما برآن، از بسیاری مشکلات می‌کاهد.

**ب: در باره‌ی پژوهشگاه واژه‌های موجود فارسی:** در تایید وظایف مندرج در نشریه، یادآوری می‌کنیم که کشف معانی نام‌های خاص فارسی موجود در کتب باستانی ما می‌تواند کمک شایانی به تهیه‌ی واژه‌های مورد نیاز دوران کنونی فارسی به نماید. مثلاً:

**1-** دنبال کردن کار شادروان کسروی در مورد تفسیرهایی که برای نام‌های شهرها و دیه‌ها نگاشته، و تصحیح نادرستی‌های او، بسیار مفید خواهد افتاد.

**2-** چون آلمان‌ها در سده‌ی 19 و 20 روی بسیاری از منابع تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی ما تحقیق نموده و کتاب‌های طبری، یاقوت، ابن‌نديم، بیرونی، زخشری و مانند ایشان را با تعلیمات گران‌مایه و پیشگفتارهای پر ارزش و فهرست‌های

سودمند چاپ نموده‌اند و در آن‌ها ریشه بسیاری از واژه‌ها و نام‌های خاص را استخراج نموده و روشن ساخته‌اند باید از این تحقیقات استفاده‌ی لازم به عمل آید.

برای استفاده از تحقیقات آلمان‌ها دانستن کامل سه زبان آلمانی، فارسی و عربی و اطلاع داشتن از زبان‌های ایرانی، پهلوی، طبری، گیلکی، و هم چنین زبان سامی سریانی لازم است. متأسفانه امروز در ایران آنان که عربی می‌دانند آلمانی نمی‌دانند، و آنان که آلمانی را درست می‌آموزند از عربی محرومند. بنابر این گذشته از زبان‌های - احتیاطی، که یادکردم، فهم آن سه زبان اصلی نیز برای یک نفر کم اتفاق می‌افتد. خطری که آینده‌ی این تحقیق را تاریکتر می‌سازد آن است که سابقاً هر خاورشناس آلمانی مانند همی مستشرقان، هر دو زبان فارسی و عربی را خوب می‌آموخت، ولیکن امروزه پس از جدا شدن ایران‌شناسی از عرب‌شناسی، دیگر ایران‌شناسان، آن تسلط را بر عربی ندارند و به عکس عرب‌شناسان نیز چندان تعمقی در شناسایی زبان‌های ایرانی نمی‌کنند.

مثلاً یک نمونه از کارهای آلمان‌ها در منابع تاریخی ما احیای تاریخ بزرگ طبری است که آن را از سال 1879 تا 1897م در شانزده جلد منتشر کردند. 13 جلد آن متن تاریخ طبری و ذیل المذیل از خود طبری است، جلد 14 هم فهرست‌ها، و جلد 15 هم تحقیقات ادبی و تاریخی است، جلد 16 هم ذیل دیگری است برتاریخ طبری تألیف عرب قرطبی. این شانزده جلد اخیراً در تهران افست شده از نو انتشار یافت، و سزاوار است مقدمات و تحقیقات آلمانی آن به فارسی ترجمه شود تا مورد استفاده‌ی عموم قرار گیرد.

اصولاً این تذکر در این جا بی‌مناسبت نیست که همه‌ی تاریخ طبری باید از نو به فارسی درآید. زیرا ترجمه‌ی موجود و منسوب به بلعمی به هیچ وجه ما را از این گنجینه‌ی بزرگ بی‌نیاز نمی‌سازد و گرچه بلعمی خود سند بسیار سودمندی است لیکن آن را به حساب طبری نهادن درست نیست، طبری مردی آزادمنش و مستقل و صاحب مذهب و مکتب بوده است، و اگر تشیع را به معنی عام آن بگیریم می‌توان او را در دایره‌ی شیعیان قرن (4هـ / 10م) شمرد، در صورتی که نویسنده‌ی بلعمی سنی محافظه‌کار و مقلد است. او در بسیاری از جاها تحت تأثیر عقیده‌ی خود قرار گرفته، نظریاتی خلاف نظریات آزادمنشانه‌ی - طبری می‌دهد و حتی در برخی موارد از پرده‌پوشی بر روی حقایق خاصه در مورد جنایات‌های وحشیانه‌ی عرب خودداری نکرده است.

اما ترجمه‌ی آقای نشات، صرف نظر از این که بسیاری از ما شیعیان قرن بیستم دستکمی از سنیان قرن دهم نداریم، اصولاً ترجمه‌ی ایشان ناقص است، او به خیال خود بخشی را که صریحاً متعلق به ایران تشخیص داده ترجمه نموده است، در صورتی همه‌ی بخش‌های این کتاب، برای تاریخ ایران سودمند است.

3- دیگر منابع نام‌های خاص فارسی کتاب‌های فهرست منتخب ابن بابویه و کتاب النقص عبدالجلیل رازی و کتاب التدوین رافعی در تاریخ قزوین را باید نام برد. فهرست منتخب در 1326هـ /

1908م در آخر "مجارالانوار" به شکل مغلوطی چاپ شده و شیخ محمد رشتی از روحانیان ایرانی عراق طبق گفته‌ی خودشان مدتی در تصحیح نام‌های آن کوشیده است. آقای دکتر جلال محدث ارموی نیز رساله‌ی دکتری خویش را در تصحیح این کتاب به دست آورده و کتاب النقص را نیز خود ایشان چاپ نموده است و از نسخه‌ی عکسی کتاب التدوین نیز استفاده‌ی شایانی برده است و لیکن به علت عدم اطلاع ایشان از لهجه‌های طبری، گیلکی، آذری، تاتی و رازی، اکثریت مطلق آن کلمات بدون تصحیح و تحقیق چاپ شده است، و ظاهراً کار جز با همکاری چندتن که تمام لهجه‌ها را بدانند از کسی ساخته نباشد.

**ج: در مورد پژوهشگاه زبان‌های باستانی و میانه و گویش‌های ایرانی:** اولاً: در این جا باید به زبان‌ها و گویش‌های زنده اهمیت بیشتر داده شود. مثلاً در باره‌ی گویش‌ها یا زبان‌های کردی، بلوچی، پشتو، که متأسفانه تاکنون کمتر توجه می‌شده است، باید توجه مخصوص داده شود. باید موسسه‌هایی که در باره‌ی این زبان‌ها کار می‌کنند چنان مجهز گردند که بتوانند به موسسات مشابه آن‌ها در خارج ایران کمک نماید.

ثانیاً: با تمام وسایل، باید میان این موسسات تحقیقاتی گویش‌ها در ایران با مشابه خارجی آن‌ها ارتباط نزدیک برقرار شود، مثلاً با دانشکده‌ی ادبیات بلوچ در کویت و پیشاور و کردی در سلیمانیه و بغداد و پشتو در کابل روابط صمیمی و همکاری نزدیک استوار شود و موسسات ایرانی مشابه آن‌ها به درجه دانشکده ارتقا یابند. در کجا بهتر از ایران این زبان‌ها می‌توانند احیا شوند رشد یابند و مورد استفاده‌ی متقابل قرارگیرند و بالاخره فرهنگی مشترک متناسب عصر حاضر به وجود آورند؟ و کدام زبان شایسته‌تر از زبان-فارسی دری می‌تواند رابط میان آن‌ها باشد، و کدام منبع برای گسترش زبان‌فارسی بهتر از واژه‌های آنان می‌یابیم؟